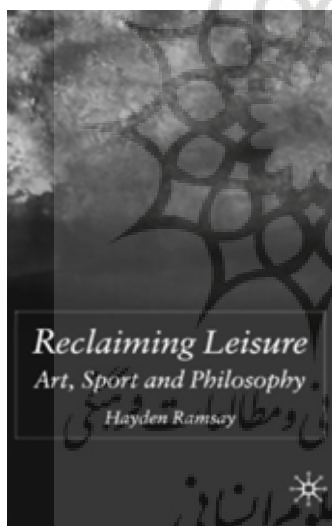


پیوند هنر، ورزش و فلسفه



احیای اوقات فراغت در قرن بیست و یک:

پیوند هنر، ورزش و فلسفه

نوشته هایدن رمزی

ناشر: پال گریو مک میلان

شابک: ۱-۴۰۳۹-۴۰۳-۴۷۰۳

به موسیقی اعم از کلاسیک و مردمی، ورزش و تندرستی، پیروزی در مسابقات و شخصیت، دین و ورزش، دوپینگ، تماشای مسابقات ورزشی، خشونت، تعلیم و تربیت و شخصیت، ملی‌گرایی، کار و اوقات فراغت، اخلاقیات کار/ اخلاقیات اوقات فراغت، خلاقیت و همبستگی، پرداختن به فعالیت های ذوقی، جایگاه و منزلت افراد، بازآفرینی هنر، نقش هنر در زندگی پربار، هنرهای اجرایی و اوقات فراغت، منافع واقعی پرداختن به هنر در اوقات فراغت و مفرح‌تر ساختن هنرها، به احیای اوقات فراغت آن دسته از انسان‌های مضطرب، سرگشته، هراسان و مایوس، بیگانه گشته و سرخورده‌ی قرن بیست و یکم، گوشه‌نشینان در خود فرورفته و غم‌زده‌ی بی‌فردا، یا مصرف زدگان دم‌غنیمت شمار جوامع ظاهراً خوشبخت که خرید و مصرف بیشتر را عین زندگی پربار سعادتمندانه

در جهان شتابناک امروز بالاترین سطوح تنش و اضطراب را شاهدیم. عادات حاکم بر اوقات فراغت انسان امروزی نتوانسته آن‌طور که باید دلشوره‌ها، دشواری‌ها و خارخارهای زندگی را چاره کند. در حالی که سنت فلسفی به واقع متضمن بصیرتی ارزشمند نسبت به خوشبختی، آزادی و آزادی از طریق پربار کردن اوقات فراغت است و کمتر دیده شده فلاسفه‌ی معاصر از این توانایی‌ها بهره گیرند.

نویسنده‌ی کتاب که استاد فلسفه در موسسه‌ی ازدواج و خانواده در ملبورن است، در نه فصل و در مباحثی متنوع و گسترده از آرای فلاسفه‌ی بزرگ گرفته تا اوقات فراغت اندیشمندان، مصرف زدگی، تفریح مصرف‌گرایانه، تفریح اندیشمندان، مطالعه، بازی و گذران اوقات فراغت با سفرهای خارجی و مباحثی چون سفر و گردشگری، پناه بردن

می‌شمارند، می‌پردازد. نویسنده سرگشتگی‌های انسان عصر ما را در انفکاک عناصری چون ورزش، هنر و فلسفه می‌داند.

کتاب نقدی است بر مصرف‌گرایی اوقات فراغت و طرح توصیه‌هایی به منظور ایجاد توازن میان کار و اوقات فراغت. طی بحثی جامع هنر، ورزش و اوقات فراغت در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی واقع می‌شوند. نویسنده در چهار فصل به بحث گذران اوقات فراغت با تفریحاتی چون ورزش، سفر، مطالعه و موسیقی پرداخته و رویکردهایی اندیشمندانه‌تر را توصیه می‌کند.

وی در پیش‌گفتار کتاب می‌گوید تفریح و اوقات فراغت از جمله مباحث عمده‌ی فلسفه‌ی کلاسیک‌اند. گذران اوقات فراغت - اوقاتی که بیش از هر زمان دیگر قادریم خویشتن خویش باشیم، بدون تحمیل‌های ناخواسته یا قید و بندهای اخلاقی - به طرح پرسش‌هایی در مورد کیستی‌مان، اموری که قدر می‌نهیم، و چگونه زیستن می‌رسد. اما بسیاری از مردم جوامع امروز تکلیف خود را نسبت به تفریح و اوقات فراغت نمی‌دانند. صرفاً نمی‌دانند چه کنند؛ یا عملی‌نابایست انجام می‌دهند (چون بیشتر کارکردن)، یا به اموری می‌پردازند که نمی‌تواند موجب تفریحی ماندگار شود (چون خرید بیشتر). با چیرگی مصرف‌گرایی مسئله تبدیل به معضل بزرگ اجتماعی گردیده که بر شیوه‌ی واکنش جوامع نسبت به اوقات فراغت تاثیر گذارده است. حل مسأله‌ی چون هویت انسان‌ها و آنچه ارزش می‌شمارند و اینکه چگونه می‌خواهند به عنوان یک جامعه در کنار یکدیگر زندگی کنند بیش از هر زمان دیگر فوریت یافته و به موازات افزایش رفاه، بیشتر کارکردن و مصرف‌گرایی جوامع حادث می‌گردد.

فیلسوفان معاصر گاه‌گاه به اوقات فراغت پرداخته‌اند، اما به ندرت به بهره‌گیری از میراث فلسفه، یا پژوهش‌های رشته‌های علمی جدید نظیر جامعه‌شناسی و پژوهش‌هایشان درباره‌ی اوقات فراغت عنایت داشته‌اند. کتاب مدعی کمک به افزایش دانش در این رشته‌های علمی جدید نیست و تمایلی به دعوی برخورداری از بینش‌های آنها را نیز ندارد. با این حال مجدانه تلاش می‌کند استفاده از اوقات فراغت را به عنوان موضوعی فلسفی احیاء کرده به طرح این پیشنهاد بپردازد که مرتبط ساختن فلسفه با این رشته‌های علمی جدید می‌تواند به خلق آثار ارزشمند تازه در بهره‌گیری از اوقات فراغت برسد. به نظر نویسنده راه حل ما به خاطر آوردن نقش هنر و ورزش در بازتعریف اوقات فراغت و فعالیت‌های آن است.

ورزش و فلسفه میراث‌هایی گرانبها از یونان باستانند. تصادفی نیست که همزمان نسبت به جسم و جان خویش احساس مسئولیت می‌کنیم. حتی امروزه وب سایت جنبش المپیک در صدر صفحه‌ی نخست خود اسامی فلاسفه‌ی یونان باستان را که در رقابت‌های المپیک اولیه حاضر می‌شدند، گنجانده است. مدعای اصلی ورزش در تامین تعالی و سعادت بشر این است که: ورزش زاده‌ی پرورشی فلسفی است و فرصت‌هایی برای اندیشه در وجوه زندگی در اختیار شرکت‌کنندگان - اعم از ورزشکار یا تماشاگر قرار می‌دهد که جز بدین صورت غور در آنها دشوار است. ورزش یاریگری است مهم برای تعمق، هنرمندی، دریافت

هنری، آمیزش در اجتماع، نیایش و دیگر فعالیت‌های اندیشمندانه‌ی اوقات فراغت. در عین حال ورزش آن فعالیت‌های اوقات فراغت است که به شکلی طبیعی بیش از همه بازی دانسته می‌شود؛ چنان‌چه فعالیتی ورزش باشد همواره "پرداختن افراد به بازی را" به ذهن می‌آورد. یا شاید بشود گفت این دست کم یکی از دیدگاه‌ها نسبت به ورزش است. اما این پرسش پیش می‌آید که بازی را چه دخلی است به ورزش‌های میدانی و تجاری شده فعلی که روز به روز به خشونت آنها افزوده می‌گردد و به دست به اصطلاح نخبگان ورزشی در مقابل دیدگان تماشاچیان شوریده‌ی عربده جو اجرا می‌شود؟

اما الیزابت تلفر در بحث خود در فراغت، ایده‌ی ارسطویی فراغت اندیشمندانه را بسط می‌دهد تا شامل آن اعمالی گردد که ذاتاً ارزش انجام دارند، از جمله آفرینش هنری و غور و اندیشه در زیبایی‌ها. در روایت نویسنده‌ی کتاب حاضر از فراغت، فراغت متفکرانه نیز هنر ارزش والای تفریحی دارد. مسلماً هنر صرفاً از مقله‌ی دیگر فعالیت‌های اوقات فراغت چون ورزش و سیر و سفر نیست، بدین علت واضح که هنرها در عین حال به تجلیل وجهی متمایز از سرشت و سعادت بشر (هنرمندی و درک هنری، نه استراحت و تمدد قوای صرف) می‌پردازند. از این جنبه، هنرها بیشتر شبیه مطالعه، نیایش و پرورش‌اند؛ هنر می‌تواند بیش از یک توانایی بشر را پرورش دهد: تفریح توأم با پرورش ذهن، معنویت یا تندرستی. از آن رو هنرها بخشی از فراغتند که ظرفیت تحریک اندیشه و تفکر و بسط استفاده از مهارت‌های بازی را دارند. هنرمندان متعهد و هنردوستان نیز به بازی و پرورش بینش‌های شهودی از طریق فعالیت‌های هنری خویش می‌پردازند؛ بدین‌سان هنرها، نه صرفاً به تکمیل چهره‌ی هنری جامعه‌ای که در مورد هنر جدی است، می‌پردازند بلکه چهره‌ی آن به لحاظ استفاده از اوقات فراغت را نیز بهتر می‌سازند.

زمانی هنر امتیاز خواص بود که البته تمایل داشتند با پاسداشت جایگاه والای فراغت ابتدا پاک شوند سپس دیده برآن پاک اندازند. امروزه فراغت مبدل به امری پیش پا افتاده شده که نجابت و فضائل آن نادیده گرفته می‌شود، ناشناخته است، انکارش می‌کنند و به سخره‌اش می‌گیرند. نجات فراغت انسان مدرن مستلزم، بخشی از، یک فداکاری بزرگتر است، به ویژه تلاش در جهت فرو ریختن امپراطوری مصرف و شرارت‌هایی که بر آنها متکی است. ممکن است تا سال‌های سال آمادگی پرداخت این بها را پیدا نکنیم یا هیچ‌گاه به چنین آمادگی نرسیم. به هر روی تا این بها را نپردازیم تفریحات‌مان نامطمئن، زندگیمان پرتنش و نیل به سعادت ما نامحتمل‌تر خواهد بود. احیای فراغت با نجات آن از چنبره‌ی مصرف‌گرایی، مهم‌ترین شیوه‌ی کمک به تفریح سالم است، ضمن این که شیوه‌ای بسیار مهم در خدمت به سرشت و فرهنگ بشر است. زیرا فراغت نوین و اندیشمندانه بدین معناست که مردم کمک بیشتری به تفریح خود و در عین حال کیفیت زندگی در جوامع خود کنند. ایدون باد!

و در این جاست که پیوند ورزش، هنر و فلسفه اهمیت خود را آشکار می‌سازد.